



تقریرات درس خارج فقه

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرس طباطبایی یزدی (دامت برکاته)

سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱

جلسه‌ی هفتم؛ سه‌شنبه ۱۳۹۱/۱۲/۱۵

تنبیه هشتم : شرایط معتبر در خراجی بودن زمین

مرحوم شیخ رحمته در این تنبیه سه شرط جهت خراجی بودن زمین مطرح می‌فرماید تا احکام [وجوب پرداخت خراج] و حلیت اخذ خراج و مقاسمه از ید سلطان جائز بر آن مترتب شود^۱ و آن عبارتست از:

۱. باید مفتوح العنوة باشد [یا این‌که با کافران صلح شده باشد به این صورت که زمین برای مسلمانان باشد]^۲.

۲. فتح باید به اذن امام علیه السلام بوده باشد.

۳. حال الفتح باید محیة بوده باشد.

بررسی شرط اول

از مباحث گذشته مسلم بودن شرط تاخت نظامی در خراجی بودن زمین معلوم شد، و از لحاظ کبروی هیچ جای تأمل نیست، مهم اثبات صغرای آن است که چگونه برای ما که در آن زمان نبودیم، مفتوح العنوة بودن زمینی ثابت می‌شود؟

ادعا شده اراضی عراق، کثیری از اراضی ایران، مصر، شام، خیبر، مکه و ... مفتوح العنوة است، راه اثبات

۱. البته این در صورتی است که جواز اخذ را اختصاص به خراج مأخوذ از اراضی خراجیه بدانیم، ولی اگر قائل شویم خراج مأخوذ از اراضی انفال نیز به آن ملحق است - کما این‌که مرحوم سید یزدی قائل شدند، ولی ما الحاقش را منوط به شرطی کردیم که بعید نیست بتوان آن را احراز کرد - جواز اخذ منوط به احراز این سه شرط نخواهد بود.

۲. این بخش از شرط اول به نحو مبسوط بررسی نشده است. امیرخانی

این ادعا چیست؟

راه‌های اثبات مفتوح العنوة بودن زمین

مرحوم شیخ رحمته نظیر جاهای دیگر فقه که راه‌های مختلفی برای ثبوت امری پیشنهاد و مورد بررسی قرار می‌گیرد - مثلاً در کتاب طهارت راه‌های اثبات نجاست چیزی از قبیل علم وجدانی، شهادت عدلین و ... مورد بررسی قرار می‌گیرد - در این جا نیز راه‌هایی برای اثبات مفتوح العنوة بودن ارض مطرح کرده و مورد بررسی قرار می‌دهند.

مرحوم شیخ سه راه برای اثبات مفتوح العنوة بودن ارض مطرح می‌کنند که عبارتند از:

(الف) شیاع موجب علم. (ب) شهادت عدلین. (ج) شیاع مفید ظنّ متآخّم للعلم.

الف) شیاع موجب علم

شیاع مفید علم به این است که افراد زیادی بگویند ما ناظر بودیم فلان زمین با تهاجم مسلمین فتح شد، به حدی که تواطؤ آن‌ها بر کذب عادتاً محال باشد - نظیر شیاع در رؤیت هلال که یکی از طرق اثبات رؤیت هلال است^۱ - و این شیاع در نسل‌های بعد به طور متواتر نقل شده و به ما رسیده باشد که می‌تواند مفید علم به مفتوح العنوة بودن ارض برای ما باشد که حجیت ذاتی دارد، ولی تحقق چنین شیاعی که مفید علم است، مشکل بوده و احتیاج به تتبع زیادی دارد که ممکن است فقط در مورد بعضی اراضی چنین شیاعی حاصل شود.

ب) شهادت عدلین

اگر مفتوح العنوة بودن زمین نه به نحو متواتر بلکه با خبر عدلین به ما برسد، گرچه مفید علم نخواهد بود، ولی تعبداً حجّت است و از راه‌های اثبات مفتوح العنوة بودن ارض می‌باشد.

ج) شیاع مفید ظنّ متآخّم به علم

مرحوم شیخ یکی دیگر از راه‌های ثبوت مفتوح العنوة بودن را شیاع مفید ظنّ متآخّم به علم می‌داند و می‌فرماید:

۱. باید توجه داشت شیاع، این نیست که افراد زیادی بگویند ماه رؤیت شده است، بلکه شیاع آن است که افراد متعددی ماه را خودشان رؤیت کرده باشند.

«و بالشیاع المفید للظن المتأخّم للعلم؛ بناءً علی کفایتہ فی کلّ ما یعسر إقامة البینة

علیه، کالنسب، و الوقف، و الملک المطلق»^۱.

اگر مقصود جناب شیخ رحمته از ظن متأخّم به علم، اطمینان عرفی باشد که عرف در چنین مواردی تشکیک نمی‌کند؛ مگر این که در دست اندازهای تشکیک انداخته شود، می‌گوییم از آن جا که سیره‌ی عقلاء بر عمل به اطمینان است و ردعی هم از شارع مگر در موارد خاص به ما نرسیده، پس از باب حصول اطمینان حجّت است. اما اگر مقصود شیخ از ظن متأخّم به علم؛ ظنی است که به حدّ اطمینان نمی‌رسد و در نظر عرف هم در حدّ ظن بوده و احتمال خلاف می‌دهد، می‌گوییم چنین ظنی دلیل بر حجّیتش قائم نشده است. کما این که خود ایشان در رسائل و جاهای دیگر به آن اذعان کرده و فرموده‌اند: «إن الظن لا یغنی من الحق شیئاً».

مقتضای اصل، انفال بودن زمین در نظر شیخ رحمته

مرحوم شیخ رحمته بعد از مطرح کردن راه‌های ثبوت مفتوح العنوة بودن زمین، می‌فرماید اگر در مورد زمینی هیچ یک از این سه طریق کاربرد نداشت، نوبت به اصل عملی می‌رسد که آن استصحاب عدم کون الارض مفتوح العنوة می‌باشد.^۲ چرا که در زمانی مفتوح العنوة نبود، شک می‌کنیم مفتوح العنوة شد یا خیر، استصحاب عدم جاری می‌کنیم، هم‌چنین شک می‌کنیم ملک مسلمانی شده یا خیر؟ استصحاب عدم صیورته ملکاً للمسلم جاری می‌شود، از طرف دیگر استصحاب عدم صیورته ملکاً لغير مسلم نیز جاری می‌شود، در نتیجه ثابت می‌شود این ارض مالک و رب ندارد و از آن جا که «کل ارض لاربّ لها فهو للامام» پس با ضمیمه‌ی اصل به وجدان، ثابت می‌شود این زمین برای امام علیه السلام بوده و از انفال می‌باشد.

۱. کتاب المکاسب، ج ۲، ص ۲۳۹.

النامن أن کون الأرض خراجية، بحيث يتعلّق بما یؤخذ منها ما تقدّم من أحكام الخراج و المقاسمة، يتوقّف علی أمور ثلاثة:
الأول: کونها مفتوحةً عنوةً، أو صلحاً علی أن تكون الأرض للمسلمین؛ إذ ما عداهما من الأرضین لا خراج علیها. نعم، لو قلنا بأن حکم ما يأخذه الجائر من الأنفال حکم ما يأخذه من أرض الخراج، دخل ما یثبت کونه من الأنفال فی حکمها.
فتقول: یثبت الفتح عنوةً بالشیاع الموجب للعلم، و بشهادة عدلین، و بالشیاع المفید للظن المتأخّم للعلم؛ بناءً علی کفایتہ فی کلّ ما یعسر إقامة البینة علیہ، کالنسب، و الوقف، و الملک المطلق.

۲. همان:

أما ثبوتها بغير ذلك من الأمارات الظنیة حتّى قول من یوثق به من المؤرّخین فمحلّ إشکال؛ لأنّ الأصل عدم الفتح عنوةً، و عدم تملّک المسلمین. نعم، الأصل عدم تملّک غیرهم أيضاً، فإن فرض دخولها بذلك فی الأنفال و أحقّقتها بأرض الخراج فی حکم فهو، و إلّا فمقتضى القاعدة حرمة تناول ما یؤخذ قهراً من زراعتها. و أمّا الزراع فیجب علیهم مراجعة حاکم الشرع، فیعمل فیها معهم علی طبق ما یقتضیه القواعد عنده: من کونه مال الإمام علیه السلام أو مجهول المالك، أو غیر ذلك.

نقد کلام مرحوم شیخ رحمته الله

مناسب بود مرحوم شیخ رحمته الله قبل از پرداختن به استصحاب، قاعده‌ی ید را مطرح می‌فرمودند، چراکه ید، آماره‌ی ملکیت است. اگر این زمین تحت ید متصرفی باشد و نداند یا معترف نباشد که یدش، ید غیر مالکانه است، یدی که بر آن زمین دارد علامت مالکیت وی است و مقدم بر استصحاب عدم ملکیت می‌باشد. در صورتی هم که فعلاً کسی بر آن ید نداشته باشد، ولی قرائن نشان دهد که قبلاً کسی بر آن ید داشته، باز نمی‌توان استصحاب عدم ملکیت آن جاری کرد؛ چون ید، آماره‌ی ملکیت است و حکم به مالکیت آن ید سابقه می‌شود.

حال آن مالکی که به اعتبار ید سابقه ملکیت او ثابت شد اگر احتمال دهیم هنوز زنده است، می‌توانیم با استصحاب، بقاء حیاتش را اثبات کنیم و در نتیجه این زمین، ملک مالک زنده به حکم ید می‌شود. آن‌گاه اگر توانستیم آن مالک را بشناسیم فیها و الا حکم مجهول المالک پیدا می‌کند.

و اگر به گونه‌ای باشد که احتمال زنده بودنش نباشد و یقین یا اطمینان به فوتش داشته باشیم، ولی بدانیم وارث یا وارث وارث دارد که زنده است یا احتمال زنده بودنش وجود دارد، باز الکلام الکلام.

بله، اگر قطع داشته باشیم وارثی ندارد یا شک کنیم و با اصل عدم آن را احراز کنیم - چون اصل، عدم داشتن وارث است - آن‌گاه می‌توانیم بگوییم: این زمین چون ترکه‌ی میت بلا وارث است، پس اختصاص به امام رحمته الله پیدا کرده و از انفال می‌باشد.

آیا به قول مورخین می‌توان در اثبات مفتوح العنوة بودن زمین اکتفا کرد؟

مطلب دیگری که مرحوم شیخ رحمته الله در این جا مطرح می‌فرماید، این است که آیا می‌توان با قول مورخین، مفتوح العنوة بودن زمینی را اثبات کرد یا خیر؟ به خاطر این که این احتمال وجود دارد - و شاید بعضی به آن تفوه کرده باشند - مورخین، خبره‌ی این کار بوده و قولشان از باب حجیت قول اهل خبره حجت باشد، کما این که در اصول بیان کردیم قول لغوی از باب حجیت قول اهل خبره حجت است.

مرحوم شیخ در پاسخ می‌فرماید: قول مورخ حجت نیست، ولی ما می‌گوییم: قول مورخ ثقه اگر عن حس باشد، مانند بعضی از مورخینی^۱ که در قضایا حاضر و ناظر بودند و آن‌چه را که خود مشاهده

۱. مانند یعقوبی که امین شیعه بوده و مورد قبول عامه نیز بوده است، البته شیخ بهائی رحمته الله در جایی فرموده‌اند ایشان یعقوبی نیست، بلکه بعقوبی

است که منتسب به بعقوبه در نزدیکی بغداد است.

می‌کردند، نقل می‌کردند - بعضی شاهان نیز برای ثبت وقایع، تاریخ‌نگار همراه خود می‌بردند - قولشان حجّت است، ولی نه از باب حجّت قول اهل خبره، بلکه از باب حجّت قول عدل واحد و حجّت قول ثقه. چراکه ما در بحث خبر واحد و در بحث طهارت اثبات کردیم که قول عدل واحد و حتی قول ثقه حجّت است، هرچند احتیاط در آن است که اعتماد نکرده و طریق احتیاط پیش بگیریم.

اما اگر قول مورّخ ثقه عن حسّ نباشد، بلکه از روی حدس و استنباط و اِعمال خبرویت باشد، حجّت نیست؛ البته نه از این جهت که قول خبره حجّت نیست - چراکه ما قول خبره را حجّت می‌دانیم - بلکه به خاطر این که در ما نحن فیه، این که زمینی مفتوح العنوة بوده یا نبوده، امری حسی است که شأنش اِبصار و دیدن است، نه اِعمال خبرویت و این نظیر آن است که کسی به جای نگاه کردن به رنگ دیوار خانه‌ای، آن را با حدس بگوید سفید است. بنابراین در چنین جایی که مورد خبرویت و اِعمال نظر نیست، بلکه شأنش اِبصار است، دلیلی بر حجّت قول خبره وجود ندارد؛ اگر دسترسی حسی به آن نداشته باشد.

تقریر متن: عبدالله امیرخانی

استخراج منابع و روایات: جواد احمدی

مسعودی نیز ثقه بوده و محدث قمی چندین جا از ایشان به عنوان مورخ امین یاد کرده، ولی در این که ایشان شیعه بوده یا خیر کلام است، هرچند گرایش و محبتی به اهل بیت علیهم‌السلام داشته است.